

## ارزیابی شرکت هند شرقی بریتانیا از تجارت در خلیج فارس دهه آغازین قرن سیزدهم هجری قمری

صفورا برومند<sup>۱</sup>

### چکیده

در دهه آغازین سده سیزدهم هجری قمری / دهه پایانی سده هجدهم میلادی، حجم درخور توجهی از کالاهای ضروری منطقه و بین‌الملل در محدوده آبی و خاکی خلیج فارس ارائه و مبادله می‌شد. از سوی دیگر، هرگونه عاملی که به تزلزل در بازارهای منطقه هیدروپلیتیک خلیج فارس و حتی فراسوی این حوزه منجر می‌شد، زمینه رکود فعالیت تجاری در این منطقه را فراهم می‌کرد؛ از این رو، پیش‌بینی وضعیت و در نظر گرفتن راهکارهای مؤثر و کاربردی برای بهره‌وری از تجارت در خلیج فارس از ضرورت‌هایی بود که بازرگانان و شرکت‌های تجاری از جمله شرکت هند شرقی بریتانیا همواره مدنظر داشتند. شرکت هند شرقی بریتانیا از سال‌های آغازین سده یازدهم هجری قمری / هفدهم میلادی از موقعیت تجاری خلیج فارس بهره‌مند شده بود و در حفظ آن می‌کوشید. این پژوهش با تکیه بر سه گزارش جامع از کارگزاران شرکت هند شرقی بریتانیا، ضمن بازخوانی ارزیابی آنها از بازارهای خلیج فارس در دهه آغازین قرن سیزدهم هجری قمری / دهه پایانی سده هجدهم میلادی، وضعیت تجاری منطقه و پیامدهای آن را در بازه زمانی ده ساله بررسی و تحلیل می‌کند. ارائه تفسیر از موقعیت تجاری این منطقه هیدروپلیتیک که به شکل‌گیری تحرکات سیاسی شرکت هند شرقی بریتانیا در دهه دوم سده سیزدهم هجری قمری / آغاز سده نوزدهم میلادی منجر شد، از دستاوردهای این پژوهش است.

### واژگان کلیدی:

خلیج فارس، شرکت هند شرقی بریتانیا، تجارت، قرن سیزدهم هجری قمری.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران - ایران s.borumand@ihcs.ac.ir

## مقدمه

در سال‌های آغازین سده سیزدهم هجری قمری/ سال‌های پایانی سده هجدهم میلادی، شرکت هند شرقی بریتانیا با بیش از دو‌یست سال پیشینه تجاری و سیاسی در خلیج فارس، یکه‌تاز مبادله‌های تجاری در این منطقه هیدروپلیتیک به شمار می‌رفت. این شرکت که از سال‌های آغازین سده هفدهم میلادی، بخش درخور توجهی از فعالیت‌های تجاری و بازارهای هندوستان را در اختیار گرفته بود، با کم‌رنگ‌شدن حضور و فعالیت شرکت‌های هند شرقی هلند و فرانسه در خلیج فارس و برخورداری از ناوگان تجاری پیشرفته، قدرتمندترین سرمایه‌گذار در عرصه بازرگانی در منطقه و همچنین تجارت بین‌الملل بود. وقوع برخی رخدادهای سیاسی و اجتماعی در محدوده خلیج فارس، از جمله سقوط صفویان و دگرگونی‌های سیاسی مکرر در ایران که حدود هفتاد سال ادامه یافت و بروز مشکلات داخلی در عثمانی، توقف فعالیت‌های کارگزاری شرکت هند شرقی بریتانیا در بوشهر و بصره را به دنبال داشت. برخی موانع مالی نیز به محدودیت فعالیت تجاری این شرکت در هندوستان منجر شد؛ در نتیجه، به‌منظور برنامه‌ریزی بلندمدت و پیش‌بینی نقاط قوت و ضعف، بخشی از فعالیت سیاست‌گذاران شرکت هند شرقی بریتانیا طی ده سال آغازین سده سیزدهم هجری قمری/ ده سال پایانی سده هجدهم میلادی بر ارزیابی وضعیت خلیج فارس و بازارهای آن متمرکز شد. حاصل این ارزیابی، تهیه سه گزارش جامع از اوضاع اقتصادی و تجاری حوزه خلیج فارس بود. پژوهش حاضر با بازخوانی این سه گزارش به بررسی وضعیت حاکم بر بازارهای منطقه در ده سال آغازین سده سیزدهم هجری قمری/ ده سال پایانی سده هجدهم میلادی می‌پردازد. فقر منابع داخلی در خصوص وضعیت اقتصادی و تجاری دوران موردبحث از یک سو و اطلاعات دقیق و ارزشمند این گزارش‌ها از سوی دیگر، بیانگر اهمیت و ضرورت بازخوانی این مستندات است که شرح کامل آن به‌صورت کتاب نیز منتشر خواهد شد.

در خصوص فعالیت شرکت هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس، پژوهش‌هایی مبتنی بر اسناد دست اول انجام شده است که می‌توان از اثر جامع جان گوردون لوریمر<sup>۱</sup> دیپلمات و مورخ بریتانیایی با عنوان *روزنامه خلیج فارس، عمان و عربستان مرکزی*<sup>۲</sup> نام برد. این اثر به‌عنوان دستینه محرمانه کارگزاران سیاسی و تجاری بریتانیا در حوزه خلیج فارس تهیه و در سال‌های ۱۹۰۸ و ۱۹۱۵م. در دو بخش موضوعی تاریخی، جغرافیایی-آماري منتشر شد.

<sup>۱</sup>. John Gordon Lorimer

<sup>۲</sup>. Gazetteer of Persian Gulf, Oman and Central Arabia

مجموعه لوریمر از ۱۹۵۵م. از طبقه‌بندی محرمانه خارج شد و در اختیار پژوهشگران قرار گرفت.<sup>۱</sup> گزیده خلیج فارس<sup>۲</sup> اثر جروم آنتونی سالدانها<sup>۳</sup> از کارگزاران شرکت هند شرقی بریتانیا در بمبئی، به‌عنوان تکمله اثر لوریمر نیز شامل اطلاعات جامع و ارزشمندی از فعالیت شرکت هند شرقی بریتانیا در حوزه خلیج فارس تا اقیانوس هند می‌شود. این دو اثر که هر یک از چندین مجلد تشکیل می‌شوند، مستندات دست‌اول پژوهش‌های بعدی در خصوص شرکت هند شرقی بریتانیا و نیز تاریخ خلیج فارس به‌شمار می‌روند. نگارنده نیز در مجموعه‌ای از مقالات (۱۳۷۸، ۱۳۸۰) و در کتاب (۱۳۸۱) سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۳۳۲-۱۱۷۷ ق. / ۱۹۱۴-۱۷۶۳ م. با استفاده از اسناد شرکت هند شرقی بریتانیا و اسناد وزارت امور خارجه ایران و بخشی از این گزارش‌ها به بازخوانی و تحلیل فعالیت این شرکت در بوشهر پرداخته است؛ اما تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص این سه گزارش متمرکز بر وضعیت تجاری حوزه خلیج فارس در ده سال آغازین قرن سیزدهم هجری قمری / ده سال پایانی قرن هجدهم میلادی انجام نشده است. پژوهش حاضر با تکیه بر مستندات این سه گزارش، وضعیت تجاری خلیج فارس را در دوران موردبخت توصیف و تحلیل می‌کند.

### گزارش‌های سه‌گانه

در مجموعه گزیده خلیج فارس اثر جروم آنتونی سالدانها که حدود ۱۹۰۳م. بر اساس بازمانده اسنادی از قرن هفدهم میلادی تا ابتدای قرن بیستم میلادی در آرشیوهای حکومتی بمبئی و کلکته و برای استفاده مأموران عالی‌رتبه بریتانیا در هندوستان و خلیج فارس تهیه و در ۱۹۰۶م. منتشر شده است،<sup>۴</sup> سه گزارش از کارگزاران شرکت هند شرقی مربوط به سال‌های ۱۲۰۵، ۱۲۱۴ و ۱۲۱۵ ق. / ۱۷۹۰، ۱۷۹۹ و ۱۸۰۰م. موجود است. این سه گزارش در مجموعه اسنادی دیگری با عنوان جزایر و مرزهای دریایی خلیج فارس

<sup>۱</sup>. John Gordon Lorimer (1915), *Gazetteer of Persian Gulf, Oman and Central Arabia*, 6 Vols, Calcutta: Superintendent Government Printing.

در ۱۹۹۸م. نسخه دیگری از این مجموعه با ترجمه عربی منتشر شد که برخی دخل و تصرف‌ها در متن آن مشهود است.

<sup>۲</sup>. J. A. Saldanha (1986) *the Persian Gulf Précis, Selection from State Papers*, Bombay regarding the East India Company's connection with the Persian Gulf, with a summary of events 1600-1800, Archive Editions.

<sup>۳</sup>. Jerome Antony Saldanha

<sup>۴</sup>. این مجموعه در ۱۳۴۵ش. / ۱۹۸۶م. در اختیار عموم قرار گرفت و منتشر شد. در آرشیو اسناد قدیمه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز مجموعه ۳۱۹ جلدی تصاویر اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا (PRO) در خصوص ایران و نواحی مجاور آن نگهداری می‌شود که نخستین جلد این مجموعه، پژوهش سالدانها مربوط به سال‌های ۱۸۰۰ - ۱۶۰۰م. است و سه گزارش موردبخت این پژوهش را شامل می‌شود.

۱۸۳۵-۱۷۹۸م. ویراسته ریچارد شفیلد<sup>۱</sup> نیز منتشر شده است.<sup>۲</sup> این سه گزارش در کتاب سالدانها به عنوان سه ضمیمه F، G و H درج شده‌اند. پژوهش حاضر با تکیه بر مستندات این سه گزارش از کارگزاران شرکت هند شرقی بریتانیا به بررسی وضعیت تجاری خلیج فارس در دهه آغازین سده سیزدهم هجری قمری می‌پردازد. دوره تاریخی در این پژوهش با سال‌های آغازین شکل‌گیری سلسله قاجار هم‌زمان است که مقدمه‌ای بر شروع مناسبات بریتانیا با ایران در سده نوزدهم میلادی و دوران رقابت‌های بریتانیا، فرانسه و روسیه در شرق میانه به شمار می‌رود. همچنین کمی پس از ارائه این سه گزارش، مقدمات مذاکرات بریتانیا با شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس فراهم شد که نتیجه آن دگرگونی ساختار سیاسی، اجتماعی و تجاری این حوزه بود. از این رو، بازخوانی و تحلیل سه گزارش موردنظر برای ریشه‌یابی این دگرگونی‌ها که تا امروز نیز مناسبات بین‌المللی خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله، ابتدا نویسندگان گزارش‌های سه‌گانه معرفی می‌شوند. در ادامه بر اساس این سه گزارش، موقعیت شرکت هند شرقی بریتانیا در سال‌های آغازین سده سیزدهم هجری قمری/ دهه پایانی سده هجدهم میلادی، مشکلات و موانع آن برای فعالیت در خلیج فارس و بازارهای آن، راهکارهای پیشنهادی نویسندگان این گزارش‌ها برای ادامه فعالیت و ارزیابی آنها از موقعیت شرکت هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس در سال‌های پیش‌رو، سده نوزدهم میلادی بیان و تفسیر می‌شود و در ارجاع به این گزارش‌ها اسامی نویسندگان آنها مدنظر قرار گرفته است.

### نویسندگان گزارش‌های سه‌گانه

ضمیمه F گزارشی به نام «تجارت عربستان و ایران» به همراه بخش‌هایی با این عنوان‌ها است: مباحثی در باره تجارت عربستان (با تکیه بر نواحی مجاور خلیج فارس؛ تجارت در دریای سرخ)، تجارت ایران و ملاحظه‌های درخور اجرا در باره تجارت با هر دو سرزمین. ساموئل منستی و هارفورد جونز این گزارش را در ۱۵ اوت ۱۷۹۰م. آماده کرده‌اند. ساموئل منستی از کارمندان باسابقه شرکت هند شرقی بریتانیا بود که در بیست‌سالگی و به سال ۱۷۷۸م. فعالیتش را به عنوان دبیر شرکت در بمبئی آغاز کرد. منستی سه سال بعد، مسئولیت دستیار نماینده شرکت هند شرقی بریتانیا در بصره را برعهده گرفت و مدتی بعد در ۱۷۸۴م. به عنوان نماینده مقیم شرکت در بصره انتخاب شد (Wright, 1986: 154). شش سال بعد نیز همراه با معاونش هارفورد جونز،

<sup>۱</sup>. Richard Schofield

<sup>۲</sup>. *Island and Maritime Boundaries of the [Persian] Gulf* (1990), edited by Richard Schofield, Vol. I 1798-1835, Archive Editions.

گزارش مورد بحث این پژوهش را تهیه کرد. منستی و جونز اجازه داشتند تا فعالیت‌های تجاری شخصی‌شان را نیز دنبال کنند؛ آنها یک کشتی دو دکله بادبانی داشتند. منستی علاوه بر این کشتی، با مشارکت جونز یا افراد دیگر، مالک ۶ کشتی دیگر نیز بود و از ارسال نامه‌های شرکت هند شرقی بریتانیا، از خلیج فارس به بندرهای هندوستان سود چشمگیری به او می‌رسید (Ibid, 153). ساموئل منستی به‌دقت فعالیت بازرگانان و کشتی‌های فرانسوی، عملکرد امام مسقط در خلیج فارس و ارتباط او با تیپوسلطان را زیر نظر داشت و گزارش این امور را برای شرکت ارسال می‌کرد (Greaves 1991: 368; Saldanha, 1986: 352-357/1). برخی رفتارهای نادرست او به بروز نارضایی‌ها در بصره و جامعه یهودی این بندر و شکایت پاشای بغداد منجر شد (Saldanha, 1986: 330-331/1). سرانجام نیز منستی در ذی‌القعدة ۱۲۱۸ ق. / فوریه ۱۸۰۴ م. و هم‌زمان با دوران بیماری ج. ه. لووت<sup>۱</sup> نماینده شرکت هند شرقی بریتانیا در بوشهر به این شهر رفت و به‌جای لووت، نامه عذرخواهی حکمران کل هند در باره قتل حاجی علی خان سفیر ایران در بمبئی را پس از حدود دو سال تأخیر در ارسال نامه (۱۸۰۱ م.) به دربار فتحعلی شاه رساند (برومند، ۱۳۸۱: ۱۴۸). این سفر با مخارج زیادی همراه بود و منستی نیز به‌علت خودسری به هند فراخوانده شد. منستی سرانجام در بهار ۱۸۱۲ م. همراه با خانواده راه سفر هجده‌ماهه به لندن را در پیش گرفت و سه هفته پس از ورود به لندن خودکشی کرد (Wright, 1986: 153-160). هارفورد جونز که در تدوین گزارش F همکاری کرد، به زبان فارسی تسلط داشت و در ۱۷۸۷ م. نیز مدتی را در شیراز سپری کرده بود (جونز، ۱۳۵۶: ۱۲). او یک سال پس از تدوین این گزارش، به‌دنبال مکاتبه‌هایی که بازرگانان بوشهر با او و منستی در بصره انجام دادند (همان)، برای خرید دو گوهر «دریای نور» و «تاجماه» به ایران آمد و با لطفعلی خان زند ملاقات کرد و شرحی نیز از این سفر بر جای گذاشت (همان: ۶). جونز هشت سال پس از تدوین گزارش F به‌عنوان نماینده مقیم حکومت بریتانیا در هند به دربار پاشای بغداد معرفی شد. همچنین با کسب لقب «سِر» به‌عنوان «نماینده رسمی پادشاه بریتانیا و مقامات لندن» و «سفیر فوق‌العاده پادشاه بریتانیای کبیر نزد پادشاه ایران» با فتحعلی شاه ملاقات کرد و حاصل سفر سِر هارفورد جونز به تهران، کاهش نفوذ فرانسه در دربار و انعقاد معاهده مجمل بود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> J. H. Lovett

<sup>۲</sup> شرح مأموریت او در این آثار به تفصیل بیان شده است:

Sir Harford Jones Brydges, (1834) *An Account of His Majesty's Mission to Persia in the Year 1807-1811*, London, and James Morier, (1812) *A Journey Through Persia, Armenia, Asia Minor to Constantinople in the Years 1808 and 1809*, London.

گزارش دوم که در کتاب سالدانها با عنوان ضمیمه G درج شده است، حاصل بررسی‌های مایستر<sup>۱</sup> مسئول گمرک و فاوست<sup>۲</sup> رئیس محاسبات بمبئی است که در ۱۷ سپتامبر ۱۷۹۹م. در قلعه بمبئی تنظیم و برای جانانان دانکن<sup>۳</sup> حاکم بمبئی فرستاده شد. اطلاع دقیقی از شرح وظایف این دو کارمند در دست نیست؛ اما گزارش آنها اطلاعات درخور توجهی از وضعیت تجارت در سواحل جنوبی خلیج فارس دارد. سومین گزارش که با عنوان ضمیمه H ثبت شده است، نامه‌ای از کاپیتان جان مالکم<sup>۴</sup> به ریچارد کولی ولزلی - ارل مورنینگتون<sup>۵</sup> حاکم کل هندوستان است که در ۲۶ فوریه ۱۸۰۰م. در خصوص اوضاع تجاری منطقه از هندوستان تا ایران تدوین شده است. این نامه در کتاب سالدانها به صورت کامل درج نشده است و جهت تکمیل متن با نسخه نامه مالکم موجود در اسناد خانواده کاپیتان وین‌رایت فرمانده سرکوب جواسم در ۱۸۰۹م. مقابله شد که در کتابی با عنوان *جان مالکم و پایگاه تجاری بریتانیا در خلیج فارس ۱۸۰۰*<sup>۶</sup> منتشر شده است. جان مالکم که در تاریخ مناسبات خارجی ایران فردی شناخته شده است، تا پیش از نگارش این گزارش، از حدود ۱۷۷۷م. به جز سال‌های ۱۷۷۹ و ۱۷۸۳م. به طور مستمر در هند اقامت داشت. عضویت در ارتش شرکت هند شرقی بریتانیا، اشتغال به منصب وکالت، فعالیت به عنوان منشی اول فرمانده کل قشون هند و سرانجام در ۱۷۸۹م. به عنوان معاون حکومت حیدرآباد، در کارنامه فعالیت‌های او ثبت شده است (طاهری، ۱۳۵۴: ۳۰۸؛ Wright, 1977: Chapter 1). *سر جان مالکم* که به زبان فارسی آشنا بود، در سال‌های ۱۸۰۰، ۱۸۰۸ و ۱۸۱۰م. به عنوان نماینده حکومت بریتانیا در هند و به منظور مقابله با نفوذ کارگزاران فرانسوی به دربار ایران اعزام شد و قراردادهای مهمی را با فتحعلی شاه منعقد کرد (Aitchison, 1892: Vol. XIII: 49-53; Kaye, 1851: Vol. I, 5).

### تجارت در خلیج فارس تا ابتدای سده سیزدهم هجری قمری

خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین شاهراه تجارت آسیایی (Kelly, 1991: 1) و قدیم‌ترین حوزه تجارت دریایی از دیرباز محل حمل، ارائه و دادوستد کالاهای متنوع به شمار می‌رفته است. از حدود سده یازدهم هجری قمری / هفدهم میلادی با ورود کشتی‌های شرکت هند شرقی بریتانیا به این منطقه و صدور فرمان شاه عباس مبنی بر آزادی تجارت بازرگانان بریتانیایی

1. Maister

2. Fawcett

3. Johnathan Duncan

4. John Malcolm

5. Richard Colley Wellesley Earl Of Mornington

6. *John Malcolm and the British Commercial Base in the [Persian] Gulf 1800*, (1994) edited by Sultan Muhammad Al-Qasimi.

در این حوزه (Connock and Barker to Surat 19<sup>th</sup> January 1616, in Saldanha, Vol. I, v)، به یکی از مراکز مهم در تجارت این شرکت تبدیل شد. ماهوت از مهم‌ترین محصولات صادراتی شرکت هند شرقی بریتانیا بود؛ اما امکان عرضه آن در سرزمین گرم هندوستان وجود نداشت. در مقابل، زمستان‌های سرد ایران، بازار مناسبی برای فروش ماهوت انگلیسی به‌شمار می‌رفت. ایران نیز تنها منبع تأمین ابریشم خام شرکت هند شرقی بریتانیا بود. بدین ترتیب، زمینه مناسب برای تبادلات تجاری بین ایران و شرکت هند شرقی بریتانیا فراهم شد. به‌مرور، صادرات شرکت هند شرقی بریتانیا به ایران و حوزه خلیج فارس کالاهای متنوعی چون کالاهای پشمی، ساتن اروپایی، پارچه‌های نخی بنگال و سورات، قلع، سرب، چوب ساج، قماش پنبه، ظروف چینی، فلفل، نمک، چای، دارو و نمک را در بر گرفت (Amin, 1967: 117). ابریشم گیلان، موی بز و مس کرمان، خرما، بصره، قهوه، گردو، نترات سدیم و مروارید نیز از اقلام صادراتی ایران و بازارهای خلیج فارس بود. بدین ترتیب، تا حدود نیمه سده یازدهم هجری قمری/ نیمه سده هفدهم میلادی، شرکت هند شرقی بریتانیا ۱۵ درصد از حجم تجارت خلیج فارس را در اختیار داشت (پری، ۱۳۶۸: ۳۶۱-۳۶۰). بازخوانی گزارش‌های سه‌گانه شرکت هند شرقی بریتانیا، شامل نکته‌های ارزشمندی در خصوص معرفی و بررسی وضعیت تجارت در خلیج فارس تا ابتدای سده سیزدهم هجری قمری/ دهه پایانی سده هجدهم میلادی می‌شود.

در گزارش منستی و جونز در خصوص وضعیت تجاری خلیج فارس تا پیش از سده دوازدهم هجری قمری/ سده هجدهم میلادی چنین آمده است که شرکت هند شرقی بریتانیا از تجارت در حوزه خلیج فارس سود درخور توجهی به دست می‌آورد. محموله‌های بزرگ شامل کالاهای بنگال در بوشهر انبار می‌شد تا بدون پرداخت گمرک به حاکم بصره به بازارهای بغداد، حلب و بازارهای سواحل شرقی مدیترانه ارسال شود. محصولات سورات نیز در بوشهر عرضه می‌شد (Manesty & Jones, 423). بدین ترتیب، بوشهر به محل فروش و توزیع محصولات شرکت هند شرقی بریتانیا از جمله انواع منسوجات، شکر، فلفل، زردچوبه، دارچین، زنجبیل، کافور، چینی‌آلات، انواع فلزها، قلع و الوار تبدیل شد (Malcolm, 445). این محصولات از بوشهر به شیراز، اصفهان، ایالات سواحل دریای خزر و بازارهای خارج از ایران ارسال می‌شد. بخش دیگری از محصولات شرکت هند شرقی بریتانیا از مسیر شوشتر به بغداد و بازارهای عثمانی می‌رسید. بیشترین محصولاتی که شرکت هند شرقی بریتانیا از این منطقه به‌ویژه ایران تهیه می‌کرد، ابریشم خام و دارو بود (Manesty & Jones, 424-425). با

سقوط صفویان، صادرات ابریشم خام از ایران متوقف شد و شرکت هند شرقی بر ارتقای کیفیت ابریشم بنگال متمرکز شد و این محصول جایگزین ابریشم خام ایران شد (Malcolm, 444). رونق تجاری و مبادلات به‌ویژه در بوشهر در ۱۷۷۷ ق. / ۱۷۶۳ م. به ایجاد نمایندگی شرکت هند شرقی بریتانیا در این بندر منجر شد (Aitchison, 1892: Vol. XIII, 42).

علاوه بر بوشهر، بصره نیز از مراکز مهم فعالیت شرکت هند شرقی بریتانیا به شمار می‌رفت. این بندر محل ارائه کالاهای بازرگانان ایرانی، ارمنی، عرب، ترک و هندی بود که بیشتر آنها در بصره اقامت داشتند. منستی و جونز که اداره نمایندگی شرکت هند شرقی در بصره را برعهده داشتند، گزارشی مفصل از وضعیت تجارت بین‌الملل در این بندر ارائه داده‌اند. در گزارش آنها چنین می‌خوانیم که بازرگانانی از نواحی دورتر از جمله استانبول، دمشق، حلب، دیار بکر، موصل، ماردین و بغداد برای فروش کالاها در هندوستان در بصره سرمایه‌گذاری می‌کردند. بازرگانان بریتانیایی، اروپایی، مسلمانان بنگال، ماسولپیاتنام، مدرس و سورات در این شهر مستقر می‌شدند و کالاهای خود را ارائه می‌دادند. در طول سال، محموله‌های بزرگ و گران‌قیمت کالاهای اروپایی و تولیدات هندوستان با ده تا دوازده کشتی شرکت هند شرقی به بصره وارد می‌شد. منسوجات پشمی، قماش بنگال، سورات و گجرات، پیراهن مالابار، شال، کشمیر و نخ کتان از مهم‌ترین این کالاها بودند (Manesty & Jones, 405, 410). منستی و جونز میزان واردات سالانه قماش از هندوستان به بصره را حدود سه تا سه‌هزاروپانصد عدل ثبت کرده‌اند (ibid: 412). دارچین، قهوه، مشک، نیل، داروهای گیاهی، آهن، چدن، استیل و قلع نیز در بصره از بازار مناسبی برخوردار بودند (ibid: 410). این کالاها علاوه بر بصره با قایق به شوش حمل می‌شدند (ibid: 412). برخی نیز در بازارهای بغداد به فروش می‌رسیدند و با حمایت حاکم این شهر به بازارهای کردستان، ارمنستان، گرجستان، آناتولی، ماردین، موصل، دیار بکر، اورفا، استانبول، حلب و دمشق حمل می‌شدند (ibid: 411)؛ از این‌روست که مالکم در گزارش ۱۲۱۵ ق. / ۱۸۰۰ م. بغداد را مرکز تجاری محدوده ایران و عثمانی می‌نامد (Malcolm, 444).

این رونق تجاری پایدار نبود و نابسامانی‌های سیاسی که از سقوط صفویان و رقابت‌های داخلی برای کسب قدرت نشأت می‌گرفت، بروز ناامنی و رکود فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را به دنبال داشت؛ بنابراین، شرکت هند شرقی بریتانیا برای تهیه کالاهایی چون خشکبار، داروهای گیاهی، قالی، نیل، منسوجات زربفت، گلاب، سرنیزه و تیغه شمشیر از بازارهای ایران با مشکلاتی روبه‌رو شد. این امر، کاهش ارزش محصولات صادراتی ایران برای شرکت هند شرقی بریتانیا را به دنبال داشت؛ در نتیجه بازرگانان ایرانی متقاضی برای خرید



محصولات شرکت هند شرقی بریتانیا پول نقد پرداخت می‌کردند (Malcolm, 445). در گزارش مالکم چنین می‌خوانیم که در سال‌های پایانی سده هجدهم میلادی، صادرات شرکت هند شرقی به ایران دو میلیون روپیه و صادرات ایران به هندوستان یک میلیون و دویست هزار روپیه به صورت کالا و هشتصد هزار روپیه به صورت شمش و طلا بود (همان). اما برخی کالاهای ارزشمند در بازارهای عثمانی از جمله خرما، بغداد و بصره و مروارید بحرین همچنان از بازار مناسبی برخوردار بودند (Manesty & Jones, 411). با این حال، کسری توازن تجارت بین بصره و هندوستان یک میلیون روپیه بود که با سکه و شمش پرداخت می‌شد (Malcolm, 445). شرکت هند شرقی بریتانیا علاوه بر تعاملات تجاری، در برخی عملیات نظامی در منطقه خلیج فارس از جمله سرکوب بنی کعب (۱۸۰ق. / ۱۷۶۶م.)، شیخ هرمز (۱۸۱ق. / ۱۷۶۷م.) و میر مهنا (۱۸۲ق. / ۱۷۶۸م.) نیز شرکت کرد. سرانجام رکود فعالیت‌های تجاری داخلی و همچنین رقابت کارگزاران شرکت هند شرقی بریتانیا در بوشهر و بصره در ۱۷۶۹م. به تعطیلی نمایندگی این شرکت در بوشهر منجر شد (Lorimer, 1915: Vol. I, Part I, 151; Amin, 1967: 94-100). که شش سال به طول انجامید (برومند، ۱۳۸۱: ۶۴-۵۹).

### مشکلات تجاری

در دهه آغازین قرن سیزدهم قمری / دهه پایانی سده هجدهم میلادی، تغییرهایی در ساختار سیاست‌گذاری شرکت هند شرقی بریتانیا رخ داد. در ۱۷۷۳م. مجلس بریتانیا دستورالعملی را به تصویب رساند که به موجب آن، شرکت هند شرقی بریتانیا تحت نظارت مجلس و دولت قرار گرفت. حکمران کل بنگال و هندوستان نیز از سوی این دو نهاد انتخاب می‌شد. پس از تصویب این دستورالعمل، وارن هستینگز<sup>۱</sup> به‌عنوان نخستین حکمران کل هندوستان منصوب شد. شرکت هند شرقی بریتانیا در این دوران با برخی مشکلات روبه‌رو بود که بحران مالی بنگال از جمله آنها به شمار می‌رفت. ایالت بنگال درآمد چندین ایالت هندوستان را تأمین می‌کرد. در پاییز ۱۷۶۸م. و تابستان ۱۷۶۹م. نشانه‌های خشک‌سالی و قحطی در این ایالت پدیدار شد که تا حدود سال ۱۷۷۷م. ادامه یافت. شروع خشک‌سالی با همه‌گیری آبله نیز همراه شد. در واقع، آن هنگام که امپراتور مغول در دهلی حق گردآوری مالیات در بنگال را به شرکت هند شرقی بریتانیا واگذار کرد (Peers, 2006: 30)، این ایالت درگیر خشک‌سالی و

<sup>۱</sup>. Warren Hastings

همه‌گیری بود (MacLain, 2002: 195). با توجه به اینکه فعالیت شرکت هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس به‌واسطه تعطیلی نمایندگی در بوشهر نیز کمابیش متوقف شده بود، شرکت هند شرقی برای رفع بحران مالی، علاوه بر برخی تغییرهای سازمانی و قطع هزینه‌های امرای محلی، در صدد تمرکز بر تجارت با چین برآمد. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن راهکارهایی از جمله عرضه تریاک و پارچه‌های پشمی در چین که سود درخور توجهی را برای شرکت هند شرقی به دنبال داشت، کسری بودجه بنگال تا ۱۹۰ق. / ۱۷۷۶م. برطرف شد (Amin, 1967: 138).

به‌رغم اینکه شرکت هند شرقی بریتانیا موفق به حل مشکلات ناشی از بحران مالی بنگال شد، ادامه فعالیت نمایندگی‌های این شرکت در سواحل شمالی خلیج فارس با موانعی روبه‌رو بود. شیوع طاعون در بصره و بغداد، شروع جنگ‌های ایران و عثمانی و محاصره بصره توسط صادق خان زند (۱۱۹۳ - ۱۱۸۹ق. / ۱۷۷۹ - ۱۷۷۵م.) زمینه محدودیت فعالیت شرکت هند شرقی را در این نواحی فراهم کرد و درآمد شرکت و دیگر بازرگانان اروپایی از تجارت در منطقه به حداقل رسید (Manesty & Jones, 406; Malcolm, 444). بدان حد که بر اساس گزارش منستی و جونز، به‌علت رکود فعالیت نمایندگی‌های بصره و بوشهر، شرکت هزینه اداره این نمایندگی‌ها را پرداخت می‌کرد (Manesty & Jones, 432) مکاتبات دیوان مدیران و حکومت بمبئی<sup>۱</sup> با نمایندگی بصره در سال‌های ۱۱۹۱ و ۱۱۹۲ق. / ۱۷۷۷ و ۱۷۷۸م. نیز بیانگر این وضعیت است. سرانجام نیز تصمیم‌هایی برای تعطیلی نمایندگی بصره اتخاذ شد (Saldanha, 1986: 304/1)؛ اما احتمال شروع جنگ با فرانسه و اهمیت نمایندگی‌های بوشهر و بصره برای برقراری ارتباط بین هند و بریتانیا از راه زمینی مانع از این تصمیم شد (Ibid: 304-305/1). منستی و جونز در گزارش ۱۷۹۰م. به این وضعیت و عواقب آن در رکود امور تجاری شرکت در سواحل شمالی خلیج فارس پرداخته‌اند (Manesty & Jones, 412-413).

بر اساس گزارش منستی و جونز، اگر چه مناقشه‌ها بین ایران و عثمانی و نیز شیوع طاعون در بغداد و بصره، رکود فعالیت شرکت هند شرقی بریتانیا و دیگر بازرگانان اروپایی در منطقه را به دنبال داشت، زمینه دگرگونی‌هایی را در اقتصاد محلی ایجاد کرد، به‌گونه‌ای که پارچه‌بافان و بازرگانان بغداد، موصل، دیار بکر، حلب و دمشق به تولید پارچه‌هایی پرداختند که از نظر کیفیت همانند منسوجات هند بودند. با این تفاوت که به‌علت ارزان بودن قیمت، از بازار خوبی برخوردار شدند (Ibid, 414).

<sup>۱</sup>. Court of Directors of the Bombay Government

شرکت هند شرقی بریتانیا، علاوه بر این وضعیت، با مشکل رقابت بازرگانان اروپایی نیز روبه‌رو بود. پس از آنکه میزان فعالیت شرکت هند شرقی در خلیج فارس کاهش یافت، بازرگانان بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی برخی کالاها را از طریق قاجاق و با قیمتی کمتر از محصولات شرکت هند شرقی بریتانیا در بازارهای بصره، استانبول و اسمیرنا عرضه کردند (Ibid). به گزارش مایستر و فاوست، بازرگانان روسی نیز با تهیهٔ پارچه‌های پشمی انگلیسی از لندن و عرضهٔ آنها در بازارهای ایران از طریق دریای خزر، بازار فروش منسوجات خارجی در ایران را در اختیار گرفته بودند (Maister & Fawcett, 436; Kelly, 1991: 56-57). بدین ترتیب، شرکت هند شرقی بریتانیا بازار منسوجاتش در ایران را نیز از دست داده بود.

طبق گزارش‌های موردبحث، اگر چه شرکت هند شرقی بریتانیا از ناوگان قدرتمندی برخوردار بود و در کرانه‌های شمالی خلیج فارس به راحتی تردد می‌کرد، با کرانه‌های جنوبی این حوزهٔ آبی ناآشنا بود (Manesty & Jones, 406). این ناوگان بر اساس مساحی ناوگان بمبئی و مساحی کارستن نیبور<sup>۱</sup> سیاح و نقشه‌نگار آلمانی در محدودهٔ سواحل غربی هندوستان تا سواحل شمالی خلیج فارس تردد می‌کرد. در ادامهٔ بررسی ساختار جغرافیایی و دریایی خلیج فارس از حدود ۱۱۹۹ - ۱۱۸۶ ق. / ۱۷۸۵ - ۱۷۷۲ م. نقشه‌های دقیق تری از سواحل سند، مکران تا سواحل غربی خلیج فارس و بخشی از سواحل عمان از مسقط تا رأس‌الحد تهیه شد؛ اما همچنان بیشتر سواحل جنوبی خلیج فارس برای ناوگان شرکت هند شرقی بریتانیا ناشناخته بود (Kelly, 1991: 60). فعالیت گسترده و مداوم اهالی سواحل جنوبی خلیج فارس برای هجوم به کشتی‌های تجاری شرکت هند شرقی و دزدی دریایی نیز به معضل بزرگی برای این شرکت تبدیل شده بود (Manesty & Jones, 406) بدان حد که شرکت هند شرقی بریتانیا در ۱۱۸۲ ق. / ۱۷۶۹ م. از ناوگان سلطنتی بریتانیا درخواست کرد تا محافظت از کشتی‌هایش را در خلیج فارس برعهده بگیرد. البته تا پیش از این نیز تردد کشتی‌های شرکت هند شرقی در اقیانوس هند تحت محافظت ناوگان سلطنتی بریتانیا انجام می‌شد؛ اما با تداوم دزدی دریایی اهالی سواحل جنوبی خلیج فارس، ناوگان سلطنتی بریتانیا به خلیج فارس وارد شد و به سرکوب دزدان دریایی بنی‌کعب پرداخت. ناوگان بمبئی نیز وظیفهٔ حفاظت از کشتی‌های شرکت را برعهده گرفت (Kelly, 1991: 57)؛ اما حمله به کشتی‌های شرکت هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس ادامه یافت و تعدادی از کشتی‌ها نیز به تصرف دزدان دریایی سواحل جنوبی درآمد (Lorimer, Vol. I, Part I, 150). با توجه به

<sup>۱</sup>. Carsten Niebuhr

ضرورت آشنایی با سواحل جنوبی خلیج فارس و جلوگیری از حمله‌های دزدان دریایی، بخشی از گزارش ۱۲۰۵ق. / اوت ۱۷۹۰م. منستی و جونز به معرفی سواحل جنوبی و غربی خلیج فارس و پیشینه مناسبات بریتانیا با اهالی این مناطق اختصاص دارد. در این گزارش به دشواری گردآوری اطلاعات در این خصوص اشاره شده است (Manesty & Jones, 404).

### فرصت‌های تجاری

به‌رغم مشکلات شرکت هند شرقی بریتانیا در دو دهه پایانی سده دوازدهم هجری قمری / سه دهه پایانی سده هجدهم میلادی در خلیج فارس، نمایندگان این شرکت به دلایل شخصی در تلاش بودند تا فعالیت شرکت در منطقه متوقف نشود. این دلایل عبارت بودند از: ۱. امکان فعالیت نمایندگان شرکت با درآمد شخصی در امور تجاری؛ ۲. پرداخت عوارض گمرکی کمتر نسبت به دیگر بازرگانان خارجی (Manesty & Jones, 411)؛ ۳. دریافت عوارض از بازرگانان اروپایی برای ارسال کالاهای آنها به اروپا (Ibid)؛ ۴. کرایه کشتی به بازرگانان بریتانیایی، ایرانی، ارمنی و هندی برای حمل کالا در مسیر هندوستان و خلیج فارس (Ibid). با توجه به اینکه از حدود دهه پایانی سده هجدهم میلادی به‌علت محافظت ناوگان سلطنتی و بمبئی از کشتی‌های شرکت هند شرقی بریتانیا، تردد کشتی‌ها در خلیج فارس افزایش یافته بود و به‌نقل از منستی و جونز ارزش کالاهایی که با این کشتی‌ها به بصره و بوشهر وارد می‌شد، در ۱۲۰۱ق. / ۱۷۸۷م. حدود بیست لک روپیه بود، در گزارش این دو نماینده اظهار امیدواری شده است که با تثبیت اوضاع سیاسی و اجتماعی در ایران و عثمانی، میزان واردات به این بندرها و در نتیجه درآمد شرکت هند شرقی بریتانیا افزایش یابد (Ibid).

در گزارش‌های موردبحث این گفتار، به مؤلفه‌هایی اشاره شده است که امکان ادامه فعالیت شرکت هند شرقی بریتانیا را در خلیج فارس در دهه آغازین سده سیزدهم هجری / دهه پایانی سده هجدهم میلادی فراهم می‌کردند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: ۱. تمایل بازرگانان ایرانی به ادامه تجارت با شرکت هند شرقی بریتانیا. این بازرگانان در دوران رونق تجاری، کالاهای شرکت از جمله پشم بنگال، قماش و سلاح گرم اروپایی را از بوشهر یا مسقط به قندهار و کابل می‌فرستادند؛ ۲. استقبال حاکم قندهار از بازرگانان ایرانی که در بازگشت از قندهار کالاهایی چون شال، جواهر و دارو را خریداری و در بازارهای منطقه عرضه می‌کردند؛ ۳. فعالیت بازرگانان ایرانی در قندهار بیانگر گستردگی تجارت با بازارهای بلخ، سمرقند و آسیای مرکزی بود که به منسوجات پشمی نیاز داشتند و از این طریق شرکت هند شرقی

بریتانیا می‌توانست به رقیبی برای بازرگانان روسی تبدیل شود؛ ۴. توجه شرکت هند شرقی بریتانیا برای خرید و عرضه کالاهای ایرانی از جمله قالی‌های مرغوب، خشکبار، ریواس، کتاب، خشخاش، منسوجات زربفت، مرمر و سنگ سرخ؛ ۵. اهمیت گیاهان دارویی ایران برای استفاده در بیمارستان‌های شرکت هند شرقی بریتانیا در هندوستان و حفظ سلامت نیروهای نظامی بریتانیا در هند و نیز صدور آنها به اروپا از طریق حلب، اسمیرنا و استانبول با هزینه بسیار کم. (Manesty & Jones, 425-426)؛ ۶. توجه ایرانیان به کالاهای تجملی که زمینه و تداوم صدور کالاهای پشمی و شیشه‌آلات را به این سرزمین فراهم می‌کرد (Malcolm, 440).

### راهکارها برای حفظ منافع تجاری

بخشی از گزارش‌های سه‌گانه نمایندگان شرکت هند شرقی بریتانیا به ارائه راهکار برای حفظ موقعیت تجاری در حوزه خلیج فارس و بازارهای مرتبط با آن در ایران، عثمانی، آسیای مرکزی تا سواحل شرقی مدیترانه اختصاص دارد. این راهکارها بر اساس وضعیت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در زمان تدوین گزارش‌ها یعنی دهه آغازین سده سیزدهم هجری/ دهه پایانی سده هجدهم میلادی و پیش‌بینی ماندگاری یا تغییر وضعیت ارائه شده‌اند. با توجه به اینکه ایران ناآرامی‌های ناشی از رقابت مدعیان حکومت را پشت سر می‌گذاشت و عثمانی با برخی مشکلات از جمله شیوع بیماری‌های همه‌گیر روبه‌رو بود و این اوضاع از میزان کارایی نمایندگی‌ها در بوشهر و بصره کاسته بود، توجه نمایندگان شرکت هند شرقی بریتانیا به امکان ادامه فعالیت در سواحل جنوبی خلیج فارس جلب شد. توجه شرکت هند شرقی بریتانیا و دولت متبوع آن به حفظ موقعیت سیاسی در هندوستان، ادامه تجارت پرسود در بازارهای خلیج فارس و جلوگیری از نفوذ سیاسی و اقتصادی فرانسه در منطقه نیز بیش‌ازپیش بر ضرورت تثبیت پایگاه شرکت در خلیج فارس دلالت داشت. بدین ترتیب، به‌رغم اینکه در بازه زمانی ده ساله گردآوری این گزارش‌ها، هنوز اطلاعات کاملی از وضعیت سواحل جنوبی خلیج فارس در دست نبود، اما تمرکز بر فعالیت در این منطقه به‌عنوان راهکار در گزارش‌ها مدنظر قرار گرفت.

نزدیک‌ترین بخش از سواحل جنوبی خلیج فارس که در مسیر ورودی کشتی‌های شرکت هند شرقی بریتانیا به این حوزه آبی قرار داشت، محدوده عمان و بندر مسقط بود. به‌همین علت نخستین اطلاعات در خصوص محل پیشنهادی برای فعالیت شرکت هند شرقی بریتانیا در این گزارش‌ها همین بندر است. به‌نقل از گزارش ۱۲۰۵ق. / ۱۷۹۰م. با رکود تجاری در

گمبرون، موقعیت مناسب برای فعالیت در مسقط فراهم شد که تا پیش از آن «ایالتی بی‌ثمر و بی‌حاصل» بود. مسقط در این گزارش «سرزمینی فقیر» با تجارتی محدود توصیف شده است (Manesty & Jones, 404)؛ اما این بندر از ویژگی‌هایی برخوردار بود که موانع شرکت هند شرقی بریتانیا را برطرف می‌کرد. ویژگی‌های مسقط در گزارش‌های سال‌های ۱۲۰۵ق. / ۱۷۹۰م. و ۱۲۱۵ق. / ۱۸۰۰م. بدین شرح است:

۱- به‌رغم وضعیت نامساعد مسقط از نظر آب‌وهوا و بی‌حاصلی خاک، اهالی این بندر «به‌گونه‌ای فعال و متهورانانه تجارتی گسترده را با هندوستان، دریای سرخ و بندرهای مختلف خلیج فارس پیگیری می‌کنند.» (Ibid)

۲- احمد بن سعید، امام مسقط که تا بخشی از سواحل شرقی آفریقا را نیز در اختیار داشت، حامی فعالیت و رونق تجاری این بندر است. به‌واسطه فعالیت اهالی و حمایت امام مسقط، تعداد کشتی‌های اهالی که در همین بندر و هندوستان ساخته شده‌اند، افزایش یافته است (همان). ناوگان امام مسقط عبارت بود از بیست‌و‌چهار فروند کشتی سه دکله که هشت فروند آن کشتی‌های جنگی بود. سی کشتی کوچک و سیصد بلم. این ناوگان در کل از ظرفیت حمل ۱۱۵۰ تن برخوردار بود (Malcolm, 365-367).

۳- بازرگانان بومی، ناوگان تجاری ایجاد کردند که همراه با کشتی‌های تجاری اروپایی در منطقه تردد می‌کند (Manesty & Jones, 404).

۴- فعالیت تجاری بازرگانان داخلی با دعوت و استقبال از بازرگانان خارجی رونق یافته و ادامه دارد (Ibid, 406).

۵- عوارض گمرکی از درآمدهای مهم مسقط است و میزان عوارض دریافتی در این بندر در مقایسه با عوارض گمرکی بصره بسیار کمتر است و برخی بازرگانان برای تجارت با حلب و حوزه شرقی مدیترانه از طریق مسقط و کویت اقدام می‌کنند (Ibid: 411).

۶- بخش درخور توجهی از مبادله‌ها و معامله‌های تجاری بین مسقط، خلیج فارس، هندوستان و دریای سرخ با کمک کشتی‌های اهالی مسقط انجام می‌شود که در دریافتی در منطقه از تبحر بسیار برخوردار بودند (Malcolm, 444).

۷- تجارت در مسقط «منبع تمام‌نشدنی ثروت است که این بندر را نسبت به دیگر بندرهای خلیج فارس به ثروتمندترین بندر رو به رشد تبدیل کرده است» (Ibid).

مایستر و فاوست در ۱۲۱۴ق. / ۱۷۹۹م. گزارش مفصلی از کالاهایی ارائه کرده‌اند که با کشتی‌های مسقط در محدوده خلیج فارس حمل شده‌اند. گزیده این گزارش بدین شرح است: از سورات، گجرات و کوچ: قماش، ابریشم، کتان، برنج و گندم؛ از بمبئی: منسوجات، آهن، استیل، نبات، نیل، هل، زنجبیل خشک، دارچین، جوز هندی و پوست جوز؛ از بنگال: شکر، برنج، قماش سفید و رنگی و از ماسولیاتنام: چیت (Maister & Fawcett, 439).

گزارش منستی و جونز را که بیشتر بر نقش مسقط در دادوستد حوزه خلیج فارس تمرکز دارد، می‌توان مکمل گزارش مایستر و فاوست قلمداد کرد. این گزارش از گردآوری و بارگیری مقدار درخور توجهی از سنگ نمک، مس، آرسنیک، مازو، زعفران، خشکبار، ابریشم خام، خرما، تریاک، دارو، مروارید و حجم زیادی از پول آلمانی و ونیزی و دیگر سکه‌های طلا و نقره از بازارهای خلیج فارس در مسقط حکایت می‌کند. این محصولات سالانه از مسقط به بازارهای بندری هندوستان از سورات تا بمبئی، سواحل مالابار و نواحی دورتر تا کلکته ارسال می‌شدند. در این گزارش نیز به نقش مسقط در حمل و ارائه کالاهای سورات، گجرات و مالابار به خلیج فارس اشاره شده است. این کالاها عبارت بودند از: انواع محصولات خاص سورات، پارچه‌های کتان مالابار، کالاهای گجرات، زنجبیل، شال، بامبو، چینی‌آلات، چوب صندل، فلفل، جوز هندی، دارچین، مشک، کافور، زردچوبه، نیل، آهن، چدن، استیل، قلع، روغن و برنج و دیگر کالاهای مصرفی خاص هندوستان که در بازارهای خلیج فارس خریدار داشتند (Manesty & Jones, 406).

مسقط محل توقف کشتی‌های اروپایی بود که با محموله‌های ادویه، سکه‌های طلا و نقره، مروارید، سنگ نمک، مس و آرسنیک به سمت هندوستان یا باتاویا حرکت می‌کردند (Ibid: 407). کشتی‌های اهالی و بازرگانان مسقط هم در حمل کالاها به نواحی غربی‌تر نقش داشتند و کالاهایی چون خرما، مروارید، پارچه‌های نخی، محصولات بنگال و سواحل مالابار و سورات، شال کتان، چینی‌آلات، شکر، نبات، فلفل، چوب صندل، جوز هندی، دارچین، مشک، کافور، تریاک، نیل، تنباکو و گلاب را به بندرهای خدیبه و موخا یا موکا در دریای سرخ می‌رساندند. در بازگشت از این بندرها نیز دارو و مقدار چشمگیری پول ونیزی و آلمانی حمل می‌کردند که در بازارهای خلیج فارس تا هندوستان به خوبی عرضه می‌شد. از کالاهای مهم که بازرگانان و کشتی‌های مسقط از مناطق غربی‌تر در بازارهای خلیج فارس تا هندوستان و شرق دور عرضه می‌کردند، قهوه خدیبه بود که از تولیدات مهم یمن محسوب می‌شد. بخشی از این محموله در یمن به فروش می‌رسید و بخش دیگر با کشتی یا

کاروان‌های تجاری به دیگر نواحی صادر می‌شد. در واقع، بازرگانان مسقط عرضه قهوه مرغوب در ایران، جزیره‌العرب، میان‌رودان، کردستان، ارمنستان، گرجستان و آناتولی را برعهده داشتند و از فروش آن سود سرشاری به دست می‌آوردند. دومین کالایی که حمل و توزیع آن بیشتر در انحصار بازرگانان مسقط قرار داشت، شکر بود که از باتاویا حمل می‌شد (Ibid)؛ از این‌روست که در گزارش نمایندگان شرکت هند شرقی بریتانیا، مسقط با تجارتی رو به رشد توصیف شده است. این امر در گزارش‌های مربوط به سال‌های بعد نیز تأیید شده است. در دهه آغازین سده سیزدهم هجری قمری/ دهه پایانی سده هجدهم میلادی، پنج-هشتم تجارت در منطقه خلیج فارس از طریق مسقط انجام می‌شد (Lorimer, 1915: 436/1). بر همین اساس، مالکم در گزارش ۱۸۰۰م. مسقط را «مرکز تجاری بزرگ خلیج فارس، دریای سرخ و هندوستان» توصیف کرده است (Malcolm, 446).

اهمیت مسقط به‌عنوان مرکز تجاری فعال و به‌دور از اغتشاش‌های داخلی سواحل شمالی خلیج فارس، توجه حکام هندوستان را به ایجاد نمایندگی در این بندر جلب کرد و حیدرعلی حاکم میسور و پسرش تیپوسلطان که با شرکت هند شرقی بریتانیا در نبرد بودند، نیز نمایندگانی به مسقط فرستادند (Lorimer, 1915: Vol. I, Part. I 156). استقرار این نمایندگان، به نارضایتی شرکت هند شرقی بریتانیا منجر شد و در نتیجه، دلال هندی شرکت که در مسقط مقیم بود، موظف شد گزارش فعالیت نماینده حاکم میسور در این بندر را برای شرکت ارسال کند (Saldanha, 337-338/1). شرکت‌های تجاری اروپایی نیز به استقرار در مسقط علاقه‌مند بودند. نکته درخور توجه این است که طبق فرمان امام مسقط، اروپائیان اجازه نداشتند در این بندر مستقر شوند؛ اما دلال‌های هندی یا بومی می‌توانستند به نمایندگی از بازرگانان یا شرکت‌های اروپایی، کارهای آنها را انجام دهند. با افزایش تردد کشتی‌های اروپایی در بندر مسقط و نیز شروع مناسبات تجاری و سیاسی بین امام مسقط و نمایندگان ناپلئون که رقیب بریتانیا به شمار می‌رفت و در صدد دستیابی متصرفات این امپراتوری در هند بود، گزارش‌های نمایندگان شرکت هند شرقی از وضعیت مسقط بیش از پیش مدنظر قرار گرفت (برومند، ۱۳۸۱: ۸۵-۸۲). یکی از مسائل مشترک که زمینه ارتباط نمایندگان شرکت هند شرقی بریتانیا با امام مسقط را فراهم می‌کرد، موضوع امنیت حمل‌ونقل محموله‌های تجاری در مسیرهای آبی و زمینی بود (Manesty & Jones, 434). به‌علت تحرک‌های وهابیان در محدوده سواحل جنوبی خلیج فارس، حجاز تا بغداد و حلب و نیز مبادرت قبایل محدوده شاره تا رأس‌الخیمه به دزدی دریایی، با ناوگانی شامل حدود پنجاه



کشتی، این امنیت از سال‌های آغازین سده سیزدهم هجری/ دهه پایانی سده هجدهم میلادی از بین رفته بود. تداوم دزدی دریایی از سوی ساکنان این سواحل به حدی بود که از این منطقه در گزارش مالکم با عنوان «سواحل دزدان دریایی» یاد شده است (Malcolm, 1994: 16). جان مالکم در گزارش خود آورده است که دزدی دریایی قبایل سواحل جنوبی خلیج فارس زمینه رکود فعالیت تجاری در منطقه را فراهم کرده است (Malcolm, 444)؛ اما بر این نکته نیز تأکید کرده است که این قبایل سواحل جنوبی خلیج فارس «حقیرتر از آنند که دشمن نامیده شوند.» (Ibid, 449) پیشنهاد مالکم برای حل این معضل، ایجاد پایگاه تجاری در جزایر خلیج فارس به‌ویژه جزیره قشم و مشارکت دادن مسقط و قبایل سواحل جنوبی خلیج فارس در تجارت بود. او بر این باور بود که در صورت اشتغال این قبایل به فعالیت کشتی‌هایشان در امور تجاری، آنها به تدریج «به دوستان طبیعی حکومت انگلستان تبدیل خواهند شد.» (Malcolm, 16) سرانجام نیز مذاکرات شرکت هند شرقی بریتانیا با امام مسقط به نتیجه رسید. جان مالکم نماینده حکمران کل هند در مذاکره با سید سلطان امام مسقط و نویسنده گزارش ۱۸۰۰م. شرکت هند شرقی در خصوص خلیج فارس بود. پس از انعقاد موافقت‌نامه، بگل<sup>۱</sup> که از پزشکان شرکت بود، در مسقط مستقر شد (Saldanha, 372-373/1). مذاکرات مالکم با امام مسقط ادامه یافت و به کسب امتیازهای بیشتر به‌منظور ایجاد محدودیت برای فعالیت نمایندگان فرانسوی در محدوده متصرفات امام مسقط منجر شد (Saldanha, 378/1). جان مالکم در ادامه این مأموریت به ایران آمد و در ۱۲ شعبان ۱۲۱۵ق. / ۵ ژانویه ۱۸۰۱م. با فتحعلی شاه قاجار ملاقات کرد که انعقاد معاهده تجاری با بریتانیا را به دنبال داشت (Aitchison, 1892: Vol. XIII, 49-53).

### نتیجه‌گیری

از ابتدای ورود شرکت هند شرقی بریتانیا به هند و شروع فعالیت‌های تجاری در منطقه، اهمیت خلیج فارس نزد سیاست‌گذاران و نمایندگان این شرکت به‌عنوان مهم‌ترین مسیر برای تجارت دریایی محرز بود. ایجاد نمایندگی‌ها در بوشهر و بصره و تلاش برای تداوم فعالیت این مراکز به‌رغم مشکلات اجتماعی، سیاسی یا تجاری از توجه شرکت هند شرقی بریتانیا بر ضرورت حضور در این منطقه هیدروپلیتیک حکایت می‌کند. بروز رخدادهایی که به سقوط صفویان و مناقشه‌های ناشی از رقابت مدعیان حکومت در ایران و نیز برخی

<sup>۱</sup>. Bagle

مشکلات داخلی در عثمانی منجر شد، زنگ خطری برای توقف فعالیت نمایندگی‌های شرکت هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس بود. بررسی وضعیت موجود، فرصت‌ها و تهدیدها و پیش‌بینی راهکارها برای تداوم فعالیت، به تدوین سه گزارش منجر شد که سیما و سپهر تجاری خلیج فارس را در دهه آغازین سده سیزدهم هجری قمری/ دهه پایانی سده هجدهم میلادی توصیف می‌کنند. بازخوانی این اسناد که دو گزارش آن را سه شخصیت تأثیرگذار در تاریخ مناسبات ایران و بریتانیا در دوره قاجار؛ منستی، هارفورد جونز و جان مالکم نگاشته‌اند، از دقت نظر و آینده‌نگری این نمایندگان در تبیین و تشریح شرایط و راهکارها برای حفظ منافع شرکت هند شرقی بریتانیا و دولت متبوع آنها حکایت می‌کند. راهکارهایی که این نمایندگان در نظر گرفتند و ارائه دادند، ساختار سیاسی، اجتماعی و تجاری خلیج فارس را در دوران قاجار و سده نوزدهم میلادی طبق منافع شرکت هند شرقی بریتانیا و دولت متبوع آن طراحی و تثبیت کرد. آنچه در خصوص تقویت مسقط و توجه به قبایل سواحل جنوبی خلیج فارس در این گزارش‌ها و در حدود ۲۳۰ سال پیش مطرح شد، تا امروز نیز در طراحی مناسبات کشورهای حوزه خلیج فارس اثرگذار بوده و تاریخ این سرزمین‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

## منابع و مأخذ

برومند، صفورا، ۱۳۸۱، *سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۳۳۲-۱۱۷۷ق/ ۱۹۱۴-۱۷۶۳م*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

پری، جان، ۱۳۶۸، *کریم‌خان زند*، ترجمه: علی محمد ساکی، تهران: نشر نو.

طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۵۴، *تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

Aitchison, C. U., 1892, *A Collection of Treaties, Engagements and Sanads Relating to India and Neighboring Countries*, Vol. XIII, Calcutta.

Amin, Abdul Amir, 1967, *British Interest in the Persian Gulf*, Leiden: Brill.

Greaves, Rose, 1991, "Iranian Relations with the European Trading Companies. To 1798", in *The Cambridge History of Iran*, Vol. 7, edited by Peter Avery, G. R. G. Hambly and Charles Melville, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 350-373.

*Island and Maritime Boundaries of the [Persian] Gulf*, 1990, edited by Richard Schofield, Vol. I, 1798-1835, Archive Edition.

*John Malcolm and the British Commercial Base in the [Persian] Gulf*, 1994, edited by Sultan Muhammad Al-Qasimi, s. n.

Jones Brydges, Harford, 1834, *An Account of His Majesty's Mission to Persia in the Year 1807-1811*, London: s. n.